

ارزیابی حقوق معلولان و تضمینات آن در نهادهای کیفری و عمومی ایران

حمیدرضا دانش ناری^۱

محمدصادق محمدی قهفرخی^۲

چکیده

معلولان به عنوان قشر آسیب پذیر جامعه نیازمند حمایت های خاص از سوی حاکمیت هستند. از این رو، حمایت از اشخاص معلول نیازمند شناسایی خلأهای قانونی و تدوین قوانین کارآمد در این حوزه است. نحوه مواجهه و کیفیت خدمات دهی نهادهای کیفری و عمومی به این اقشار ناتوان، نقش مهمی در تضمین حقوق آن ها دارد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی و آسیب شناسی حقوق معلولان در نهادهای کیفری و عمومی ایران و شناسایی تضمینات متناسب با تحقق این حقوق در این نهادها است. سوال اصلی این پژوهش آن است که اشخاص معلول چه حقوقی در نهادهای کیفری و عمومی دارند و چه تضمیناتی جهت تحقق هرچه بهتر این حقوق، قابل بررسی است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که لزوم جبران خسارت های وارده، امکان دسترسی آسان به نهادهای نظام عدالت کیفری و لزوم اتخاذ تدابیر حمایتی. معاضدتی به عنوان برخی از حقوق لازم الرعایه با کاستی ها و خلأهایی قانونی مواجه است و تضمینات لازم در خصوص آن ها پیش بینی نشده است. همچنین در نهادهای عمومی کشور، دسترسی آسان معلولان به اماکن اداری، حق بر اشتغال و تفریح و نیز حق بر برخورداری از خدمات مراقبتی، بهداشتی، درمانی، روانی و توانبخشی، به قدر کفایت وجود ندارد. از این رو، لازم است بر مبنای اصولی همچون کرامت، استقلال و مشارکت اشخاص معلول، اصلاحات تقنینی و اجرایی در حوزه معلولان صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: معلولان، نهادهای کیفری، نهادهای عمومی، ضمانت اجرا، حقوق بشر

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول)، Daneshnari@um.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

مقدمه

کم‌توانایی و معلولیت از مفاهیمی هستند که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر مقطعی از تاریخ، رویکرد جامعه نسبت به این مفاهیم متفاوت بوده است. وضعیت معلولان از دوران باستان مورد توجه جوامع مختلف بوده و بررسی سیر تاریخی این موضوع گواه تحول عمیقی است که در این حوزه صورت گرفته است. تلقی معلولیت کودکان در دوران باستان به عنوان مجازات الهی سبب قربانی شدن آن‌ها در پیشگاه الهه‌ها و یا طرد آن‌ها از خانواده و جامعه می‌شد. در دوره اساطیری ایران باستان هم زمانی که زال به سبب داشتن موی سپید مورد بی‌مهری پدر قرار می‌گیرد و در بیابان رها می‌شود، نشان از این باور قدیمی در دوران ایران باستان بوده است.^۱ در زمان‌های قدیم علاوه بر نابود کردن افراد معلول در بدو تولد جهت جلوگیری از سربار شدن این افراد، گاه با دیدی ترحم برانگیز به آن‌ها نگریده می‌شده و معلولین به افرادی شایسته ترحم بدل می‌شدند.

با این حال، براساس آمار سازمان بهداشت جهانی حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان (تقریباً یک هفتم) درگیر نوعی از ناتوانی هستند که ۸۰ درصد آن‌ها در کشورهای با درآمد کم و متوسط زندگی می‌کنند.^۲ معلولان یکی از بزرگترین اقلیت‌هایی هستند که امروزه جمعیتی بالغ بر یک دهم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، معمولاً دو سوم آن‌ها در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند و در معرض اشکال مختلف تبعیض و محرومیت‌های اجتماعی قرار دارند. همین معضل باعث شده است که در سال‌های اخیر معلولیت به یک نگرانی بزرگ اجتماعی تبدیل شود.^۳ شاید در روزگار نه‌چندان دور، تنها نگاه دلسوزانه و پرداخت کمک‌های مادی یا معنوی می‌توانست کمک حال آن‌ها باشد، ولی معلولان دنیای امروز نه تنها خود، بلکه جامعه بشری هم دیگر به این کمک‌های اندک و گذرا بسنده نمی‌کنند و خواهان ایفای نقش و کسب مسئولیت‌های برابر با سایر اعضای جامعه هستند و با سازماندهی تشکلهای قدرتمند در پی احقاق حقوق فراموش شده خود هستند. همین امر موجب شده است که نهادهای تقنینی و سیاست‌گذار جامعه در راستای تحقق عدالت و بهبود

۱. رضائی قوام آبادی (۱۳۹۰)، «حمایت از معلولین در حقوق بین‌المللی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ص ۳۰۸.

۲. صدیقی (۱۴۰۲)، «بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۴۷): آسیب‌شناسی اجرای تبصره «۱» ماده (۷) قانون حمایت از حقوق معلولان (۱۹۱۱۹)»، ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۱.

۳. بختیارنژاد (۱۳۸۳)، «بزرگترین اقلیت اجتماعی و محرومیت از حقوق انسانی»، فصلنامه تأمین اجتماعی، ص ۱۷۰.

حقوق این قشر آسیب‌پذیر تلاش و کوشش زیادی کنند. هر چند که تمام آحاد انسانی دارای کرامت هستند و نزد قانون با یکدیگر برابر هستند و نباید هیچ‌گونه تبعیضی نسبت به آن‌ها روا داشته شود، اما وضعیت اجتماعی معلولان حاکی از آن است که بسیاری از حقوق آن‌ها تحت تأثیر وضعیت خاص‌شان نادیده گرفته می‌شود. به بیان دیگر چالش‌های پیش‌روی معلولان لزوماً نه به خاطر وضعیت ناشی از شرایط ذهنی و جسمی، بلکه ناشی از طرز تفکر و تلقی غلط جامعه در دور نگه داشتن آن‌ها از صحنه اجتماع است.

بدین ترتیب، امروزه در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا، حقوق معلولان به عنوان یکی از شاخه‌های جدید حقوق به زوایای مختلف زندگی افراد معلول از منظر حقوق می‌پردازد و در این زمینه حقوق متنوعی را جهت بهبود کارکردهای اجرایی و ایفای نقش اجتماعی برای این قشر ناتوان به رسمیت شناخته و تکالیف متعددی را بر دولت‌ها، شهروندان و سازمان‌های دولتی و غیردولتی بار می‌کند. در ماده (۱) قانون حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶، قانون‌گذار فرد دارای معلولیت را شخصی می‌داند که «با تأیید کمیسیون پزشکی، توانبخشی تعیین نوع و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور با انواع معلولیت‌ها در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی (بینایی، شنوایی)، ذهنی، روانی و یا توأم، با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی مواجه می‌باشد». در حال حاضر این قانون مبنای بسیاری از حقوق مربوط به معلولان محسوب شده و مطابق آن برای بسیاری از سازمان‌ها و نهادها، تعهدات و تکالیف خاصی تعیین شده است، لکن مقررات این قانون و سایر قوانین مرتبط در جهت رعایت حقوق معلولان در نهادهای عمومی خدمت‌رسان از ضمانت اجراهای کافی برخوردار نیست که شناسایی خلأها و آسیب‌های موجود به منظور مرتفع نمودن آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو، مسأله اصلی این تحقیق، بررسی و آسیب‌شناسی حقوق معلولان در نهادهای کیفری و عمومی ایران و نیز شناسایی تضمینات متناسب با تحقق این حقوق در نهادهای مزبور است. سوال اصلی این پژوهش این است که اشخاص معلول چه حقوقی در این نهادها دارند و چه تضمیناتی جهت تحقق هرچه بهتر این حقوق در نهادهای مذکور، مناسب و قابل پیشنهاد است. جهت تبیین مسئله، در ابتدا، مفهوم معلول و معلولیت در نظام حقوقی ایران و اسناد حقوق بشری بررسی می‌شود، در ادامه، حقوق معلولان در نهادهای کیفری و عمومی بررسی می‌شوند و در نهایت، نتیجه حاصل از این پژوهش ارائه می‌شود.

گفتار نخست. ارزیابی مفهوم معلول و معلولیت در نظام حقوقی ایران و اسناد حقوق بشری

کلمه «معلول»، اسم مفعول واژه «علت» است. به فردی که به هر علت دچار نارسایی جسمی یا ذهنی شده است، معلول می‌گویند.^۱ نخستین «اعلامیه حقوق معلولان» در سال ۱۹۷۵ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد. در این اعلامیه، معلول به کسی اطلاق می‌شد که به علت نقص جسمی و یا روحی (چه مادرزاد و چه غیر از آن) تا حدی و یا به طور کلی از تأمین ضرورت‌های زندگی عادی فردی و اجتماعی ناتوان است. ایرادی که به این تعریف وارد است، آن است که این تعریف بسیار کلی، وسیع و شامل کلیه افرادی است که به هر علتی ناتوانی جسمی و یا روحی دارند.^۲ در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶، مجمع عمومی سازمان ملل با همکاری بعضی از معلولین، کنوانسیون حقوق معلولان و یک پروتکل اختیاری مربوط به آن را تصویب کرد. طبق ماده (۱) این کنوانسیون، افرادی که از ناتوانی جسمی، ذهنی، فکری، حسی و حرکتی دائم رنج می‌برند و کنش متقابل با موانع اجتماعی و روانی مانع از حضور موثر و نخبگی‌شان در عرصه جامعه بر پایه برابری با دیگران است، در این کنوانسیون به عنوان افراد معلول تعریف شده‌اند. این تعریف اشخاص نسبت به تعریف ارائه شده در «اعلامیه حقوق معلولان» مصوب ۱۹۷۵، جامع‌تر و کامل‌تر است. در ماده (۱) قانون حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶، قانون‌گذار فرد دارای معلولیت را شخصی می‌داند که «با تأیید کمیسیون پزشکی، توانبخشی تعیین نوع و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور با انواع معلولیت‌ها در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی (بینایی، شنوایی)، ذهنی، روانی و یا توأم، با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی مواجه می‌باشد».

تا پیش از تصویب قانون جامع حمایت از معلولان، سیاست‌های حمایتی نظام حقوقی ایران از معلولان به دلیل این‌که مفهوم معلولیت در آن به شکل یکپارچه مورد شناسایی قرار نگرفته بود،

۱. رحمانی (۱۳۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «حقوق کودکان معلول»، ص ۲۸.

۲. کاویار و توسلی نائینی (۱۳۸۷)، «تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین‌المللی»، فصلنامه اندیشه‌های حقوق خصوصی، ص ۶۵.

دچار ضعف مفرط بود.^۱ البته به دلیل ابعاد گوناگون و انواع فراوان کم‌توانی‌های جسمی و ذهنی، ارائه تعریفی جامع از معلولیت بسیار دشوار است. با وجود این، در قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶، تلاش شده تا تعریفی نسبتاً جامع ارائه شود. در ماده (۱) این قانون، شخص دارای معلولیت به فردی اطلاق می‌شود که «با تأیید کمیسیون پزشکی. توانبخشی تعیین نوع و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور با انواع معلولیت‌ها در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی (بینایی، شنوایی)، ذهنی، روانی و یا توأم، با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی مواجه می‌باشد». همچنین پیش‌تر در ماده (۱) قانون حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳ هم فردی دارای معلولیت محسوب می‌شد که «به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود». ایراداتی که در تعریف هر دو قانون از فرد معلول وجود دارد، در وهله نخست این است که اصل معلول بودن را منوط به تأیید «کمیسیون پزشکی» می‌داند. بهتر آن بود که اصل معلول بودن در این قانون، منوط به تأیید کمیسیون پزشکی نشود، بلکه حق بهره‌مندی از مزایای قانونی را منوط به تأیید نظر کمیسیون تخصصی می‌دانست؛ چون ممکن است واقعا فردی معلول باشد، ولی آن کمیسیون او را معلول نداند و یا برعکس این‌که فردی واقعا معلول نباشد، ولی کمیسیون مربوطه وی را معلول محسوب کند. از طرف دیگر هم این دو قانون، قید «محدودیت مستمر و قابل توجه در فعالیت‌های روزمره، مشارکت اجتماعی و کاهش استقلال فردی و اقتصادی» را شرط احراز معلولیت دانسته‌اند. این در حالی است که ممکن است که فردی به دلیل معلولیت، نه تنها محدودیت قابل توجهی در فعالیت‌های روزمره و یا مشارکت اجتماعی نداشته باشد، بلکه از موفق‌ترین افراد در زمینه‌های فعالیت خود باشد. همچنین، مشارکت اجتماعی از شخصی به شخص دیگر، از منطقه‌ای به منطقه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر کاملاً متفاوت و متغیر است. درج قیود مبهم «مستمر» و «قابل توجه» در این دو قانون که جنبه کیفی دارند، باعث فقدان ضابطه مشخص جهت تشخیص

۱. پروانه و دیگران (۱۳۹۶)، «مقایسه فرهنگ حمایت حقوقی قضایی از معلولین در ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات رفتاری در مدیریت، ص ۳۶.

و به تبع، اعمال نظر شخصی حتی اشتباه و نادرست توسط کمیسیون پزشکی خواهد شد.^۱ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که تعریف فرد دارای معلولیت در ماده (۱) قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶ این‌گونه تغییر و اصلاح شود: «معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال و نقص در سلامت جسمانی و روانی وی ایجاد گردد. فرد دارای معلولیت جهت بهره‌مندی از مزایای قانونی این قانون لازم است که معلولیت وی و انواع آن به تأیید کمیسیون پزشکی -توانبخشی تعیین نوع و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور برسد».

گفتار دوم. حقوق معلولان در نهادهای کیفری و تضمینات تحقق آن

معلولان به دلیل شرایط خاص جسمانی، اغلب به عنوان بزه‌دیده وارد فرایند کیفری می‌شوند. از ناتوانان بزه‌دیده‌ای همچون معلولان، تحت عنوان «بزه‌دیدگان خاموش و ساکت» یاد شده است. دلیل این امر ناشی از حاشیه‌نشینی این دسته از بزه‌دیدگان و مغفول ماندن آن‌ها در نظام عدالت کیفری است.^۲ عدم تحول نهاد قضایی و سیستم‌های حمایتی در جهت برآورده کردن حقوق مساوی در حمایت از افراد معلول باعث شده است که مجرای مناسبی برای رسیدن به حقوق آن‌ها در نظام کیفری ایران به وجود نیاید. غفلت قانون‌گذار داخلی به حمایت حقوقی از افراد معلول در متن قوانین جزایی، نه تنها باعث اختلال در حمایت حقوقی نظام‌مند از افراد معلول شده، بلکه مانع رشد حمایت کیفری گردیده است؛ زیرا نگرش قانون‌گذار به افراد معلول در قوانین فوق باعث شده است که دستگاه‌های اجرایی و قضایی هیچ‌گونه فعالیتی فراتر از قانون انجام ندهند.^۳

بند اول. اتخاذ تدابیر حمایتی - معاضدتی ویژه برای معلولان در نهادهای کیفری

طبق بند (ب) از پاراگراف ۶ اعلامیه «اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از

۱. غلامی (۱۴۰۱)، آسیب‌شناسی قانون حمایت از معلولان، ص ۱۲.

۲. سماواتی پیروز (۱۳۸۸)، رساله دکتری «ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت جرم‌شناسی و قوانین کیفری حقوق ایران و انگلستان»، ص ۱۳.

۳. پروانه و دیگران (۱۳۹۶)، «مقایسه فرهنگ حمایت حقوقی قضایی از معلولین در ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات رفتاری در مدیریت، ص ۱۸.

قدرت»^۱ مصوب ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری مکلف به مدنظر قرار دادن ناراحتی‌ها و دل‌نگرانی‌های بزه‌دیدگان در مراحل مختلف دادرسی هستند.^۲ همچنین مطابق ماده (۱۰) اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق معلولین مصوب ۲۰۰۶، «معلولین باید در قبال هرگونه استثماری، مقررات و رفتار تبعیض آمیز، اهانت آمیز و ناشایست مورد حمایت قرار گیرند». به همین علت، برخی از پژوهشگران با استناد به نظریه ۷/۱۰۱۵۳-۱۱/۱۰-۱۳۷۹/۱۱ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه که جرایم توهین و تعرض به بانوان و اطفال مورد اشاره در ماده ۶۱۹ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵) را به صورت خاص و متمایز از جرم توهین عمومی، غیرقابل گذشت تلقی کرده بود؛ جهت جلوگیری از فشارهای ناروا و فرساینده برای اخذ گذشت توسط بزه‌کاران بر معلولان بزه‌دیده و مختل نشدن روند عادی زندگی آنان در مراجع قضایی و انتظامی، بیان کرده‌اند که باید بسیاری از جرایم همچون توهین و ضرب و جرح علیه معلولان را غیرقابل گذشت اعلام کرد.^۳

ماده (۱۱) اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق معلولین مصوب ۲۰۰۶، اشعار بر این دارد که: «معلولین به هنگام لزوم باید حق برخورداری از کمک‌های حقوقی برای حمایت از نفس و دارایی شان را داشته باشند؛ چنانچه معلولی به محاکمه کشیده شود، دادگاه باید وضع جسمی و ذهنی او را کاملاً در نظر گیرد». صرف بسنده کردن قانون جامع حمایت از معلولان در ماده (۲۲) مصوب ۱۳۹۶ به تعیین کردن قیم و سرپرست برای معلولان نشان از این دارد که عملاً حمایت قضایی واقعی از آن‌ها در نظام قضایی ایران صورت نمی‌گیرد. در حالی که حمایت واقعی از معلولان در نظام قضایی ایران در صورتی محقق می‌شود که در فرایند رسیدگی و دسترسی افراد معلول به عدالت تسهیل شود.^۴ اقداماتی مانند تشکیل نهادی به نام دایره ارشاد و معاضدت قضایی بزه‌دیدگان معلول و ناتوان به

1. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power.

۲. کوهی اصفهانی (۱۳۹۲)، «بایسته‌های ناظر بر جایگاه و حقوق بزه‌دیده در تحقق عدالت قضایی مطلوب (آسیب‌شناسی وضعیت موجود)»، کتاب بازخوانی نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۴۶.

۳. محمدی (۱۳۸۴)، «میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان (مصاحبه با علی حسین نجفی ابراندآبادی، حسین غلامی دون و فیروز محمودی جانکی)»، محله حقوقی دادگستری، ص ۵۳.

۴. پوررضیایی و غفاری نیک (۱۳۹۹)، «اثرات حقوقی و اجتماعی الحاق ایران به کنوانسیون حقوق معلولین از منظر حقوق داخلی»، فصلنامه حقوق فارس، ص ۱۲۹.

منظور تدارک تدابیر حمایتی برای آن‌ها، سرعت بخشیدن به محاکمه‌ها در پرونده‌هایی که پای بزه‌دیدگان معلول در میان است، گرفتن وکیل به صورت رایگان برای آن‌ها و لزوم آموزش مأموران پلیس و ضابطان قضایی متناسب با نیازهای خاص بزه‌دیدگان معلول می‌تواند از جمله اقداماتی باشد که فرایند رسیدگی به دعاوی معلولین بزه‌دیده و دسترسی آنان به فرایند عدالت را آسان کند. هرچند که قانون‌گذار در ماده ۲۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری جهت تحقیق از معلولان ناشنوا و فاقد قدرت تکلم، با پیش‌بینی حضور افراد خبره به عنوان مترجم، مراجع قضایی را مکلف به انجام تحقیقات لازم کرده است، ولی درخصوص معلولین نابینا چنین امکانی را پیش‌بینی نکرده است، لکن ضروری است که در کنار افراد نابینا هم افراد خبره‌ای حضور داشته باشند تا به بازپرس و قاضی درجهت وقوف به جنایت و شدت و ضعف آثار آن، آگاهی کاملی انتقال دهند.^۱ چنانچه افراد نابینا قادر به نوشتن باشند، منشی شعبه سؤال‌ها را برای آن‌ها به خط بریل ارائه دهد تا این افراد بتوانند به طور کتبی به سوال‌ها پاسخ دهند.

بند دوم. جبران خسارات وارده به معلولان بزه‌دیده

زمانی که شخص معلولی، بزه‌دیده واقع می‌شود، مهم‌ترین اقدام، نجات بزه‌دیده و جبران آسیب‌های جسمانی اوست. اقدامات درمانی فوری و اخذ گواهی‌های مربوطه پیش از آغاز پیگیری قضایی، بزه‌دیدگی معلول و طی روند درمانی وی را تأیید خواهد کرد. حمایت پزشکی از معلول بزه‌دیده و جبران خسارت‌های جسمی و روانی وی با اخذ غرامت مالی ملازمه دارد که در نظام قضایی ایران، ساختار منسجم و نظام روشنی در این خصوص برای حمایت از معلولان بزه‌دیده وجود ندارد.^۲ در نظام حقوقی ایران برای جبران خسارات مادی وارده به معلولان بزه‌دیده، در جایی که بزه‌کار شناسایی نشده و یا در صورت شناسایی، جبران خسارت نشده است، می‌توان موسسه یا صندوقی را تشکیل داد که بتواند خسارات مالی این دسته از معلولان را جبران نماید.^۳ در این

۱. زراعت و دیگران (۱۳۹۸)، «سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال جرایم ارتكابی علیه ناتوانان و حمایت‌های کیفری، قضایی و فراقضایی افتراقی از آنان»، فصلنامه حقوق اسلامی، ص ۶۸.

۲. رایجیان اصلی (۱۳۹۰)، بزه‌دیده شناسی (تحولات بزه‌دیده شناسی)، ج ۱، ص ۸۹.

۳. محمدی (۱۳۸۴)، «میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان (مصاحبه با علی حسین نجفی ابرندآبادی، حسین غلامی دون و فیروز محمودی جانکی)»، محله حقوقی دادگستری، ص ۴۷.

راستا، با عنایت به محدودیت‌های مالی، خدماتی و کاستی‌های عملکردی نهادهای دولتی، امکان مدد گرفتن از ظرفیت‌های افراد جامعه همچون خیران نیکوکار، نهادهای خدمات‌رسان عمومی و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد حمایتی و تشویق و ترغیب آنها به نقش‌آفرینی در این زمینه می‌تواند زمینه مساعدی برای جبران خسارات و آسیب‌های وارده به معلولان بزه‌دیده را فراهم آورد. نیل به این هدف، می‌تواند در سپهر برنامه‌ها و تدابیر سیاست‌جنایی مشارکتی به عنوان یکی از موثرترین راه‌های تضمین حمایت از معلولان بزه‌دیده عمل کند. این امر، حتی در خصوص معلولان بزه‌کار که به هر دلیل مرتکب بزه‌کاری شده، اما در جبران خسارات مادی وارده ناتوان هستند و از این جهت، نیازمند کمک و همیاری اجتماعی هستند، می‌تواند راهگشا باشد و آنها را در رهنمایدن از رنج‌ها و مصائب ناشی از ناتوانی مالی در پرداخت خسارت، پس از تحمل مجازات بزه، یاری‌گر باشد.

بند سوم. دسترسی آسان معلولان به نهادهای نظام عدالت کیفری

دسترسی آسان و سریع بزه‌دیدگان به نهادهای عدالت کیفری، اعم از پلیس، دادسرا و دادگاه‌ها یکی دیگر از مهم‌ترین حقوق بزه‌دیدگان است. با این حال، توجه به شرایط خاص جسمی و روحی معلولان جهت جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه آن‌ها ضروری است. دسترسی آسان و ساده معلول بزه‌دیده به مراجع پلیسی - قضایی و امکان اخذ وکیل تسخیری و معاضدت‌ی برای معلولان از جمله تدابیر حمایتی در این حوزه است. این در حالی است که به علت غلبه رویکرد متهم‌مدار و بزه‌کارمحور در نظام کیفری ایران، این موضوع در قوانین فعلی پیش‌بینی نشده است. برخی پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند همان‌طور که در مراجع قضایی، دفاتر حمایت قضایی ایثارگران وجود دارد، لازم است برای معلولان و افراد کم‌توان نیز دفاتر حمایت قضایی تأسیس شود.^۱ نکته‌ای که در خصوص فراهم آوردن دسترسی آسان معلولان به مراجع قضایی باید در نظر داشت، این است که احضاریه‌های الکترونیکی (سامانه ثنا) برای بعضی از معلولان قابل درک نیست و در بعضی مواقع باعث مختومه شدن پرونده‌ها یا گذشت موعد اعتراض و قطعی شدن پرونده‌ها می‌شود و حتی بالاتر از این، بعضی از معلولان به خاطر مشکلات جسمانی، امکان حضور در دفاتر خدمات قضایی و ثبت مشخصات خود در سامانه

۱. محمدی (۱۳۸۴)، «میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان (مصاحبه با علی حسین نجفی ابراندآبادی، حسین غلامی دون و فیروز محمودی جانکی)»، محله حقوقی دادگستری، ص ۲۳ - ۲۴ و ۳۵ - ۳۶.

«ثنا» را ندارند. چاره جویی در خصوص این مهم برای معلولان و افراد کم‌توان، با توجه به اقتضائات امروزی جامعه و ضرورت استفاده از سامانه‌های الکترونیکی به جای ابلاغ فیزیکی و حضوری، امری بدیهی می‌نماید که در این راستا باید ابلاغ و تسلیم اوراق دعوا به معلولانی که فاقد وکیل هستند، تنها به صورت حضوری و از طریق اداره ابلاغ به موجب مقررات آیین دادرسی مدنی باشد. حرکت به سمت طراحی سیاست‌گذاری جامع و روزآمد از جمله در خصوص فرهنگ‌سازی و بسترسازی برای تحقق «وکیل و مشاور حقوقی خانواده» و تحت پوشش قرار دادن امور حقوقی خانواده‌ها به یک فرد معتمد متخصص می‌تواند افقی موثر و قابل اتکا برای برطرف کردن این نیاز اجتماعی به ویژه برای معلولان و افراد کم‌توان باشد.

گفتار سوم. حقوق معلولان در نهادهای عمومی و تضمینات تحقق آن

در حالی که معلولان برای زندگی همچون سایر افراد جامعه، حقوق مشابهی دارند و نباید هیچ‌گونه استثنایی دامنگیر تحقق حقوق انسانی آن‌ها شود؛ ولی متأسفانه در عرصه حقوقی مانند دسترسی به نهادهای اداری و دولتی، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، برخوردای از فرصت‌های شغلی و تسهیلات ورزشی و تفریحی، افراد معلول هیچ‌گاه به عدالت و به‌طور برابر از این حقوق برخوردار نبوده‌اند. یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی دولت در ایجاد عدالت اجتماعی و اعتلای حقوق شهروندان جامعه، کیفیت ارائه خدمات در نهادهای عمومی از سوی دولت به اقشار ناتوانی همچون معلولین است.^۱

بند اول. حق بر دسترسی آسان به اماکن اداری و نهادهای عمومی خدمت‌رسان

ضرورت ایجاد مقدمات لازم برای استقلال افراد معلول و دارای ناتوانی جسمی و حرکتی دارای اهمیت ویژه‌ای است و مناسب‌سازی و حمایت از تسهیل تردد این افراد به نهادهای عمومی خدمت‌رسان ضروری به نظر می‌رسد.

ماده (۲) قانون حمایت از حقوق معلولان در خصوص دسترسی‌پذیری و تردد معلولان به نهادهای

۱. گرجی ازندریانی و شیرزاد نظرلو (۱۳۹۷)، «جایگاه حقوق معلولین در حوزه حقوق شهری»، فصلنامه مطالعات حقوق راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ص ۱۳۹.

عمومی خدمت‌رسان بیان می‌دارد: «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای افراد دارای معلولیت همچون سایر افراد فراهم گردد. بر اساس تبصره اسن ماده، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند جهت دسترسی و بهره‌مندی افراد دارای معلولیت، ساختمان‌ها و اماکن عمومی، ورزشی و تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چهارچوب بودجه مصوب سالانه خود مناسب سازی نمایند». طبق این ماده و تبصره آن، موظف بودن دستگاه‌ها و سازمان‌های مذکور به انجام تکالیف مقرر در خصوص سهولت تردد معلولان به نهادهای عمومی خدمت‌رسان، فاقد هرگونه ضمانت اجرایی است. در واقع، با عدم تعیین ضمانت اجرا در این خصوص، انجام وظایف مزبور منوط به نظر سازمان مذکور است که از این جهت قابل انتقاد است. همچنین با توجه به تکالیف مندرج در این ماده برای دستگاه‌ها و سازمان‌های مذکور مناسب بود که محل تعیین بودجه مدنظر برای انجام این تکالیف، به طور مشخص در قانون پیش‌بینی می‌شد. به طور مثال، تکلیف قانونی شهرداری‌ها یا سایر نهادهای خدمات‌رسان به اختصاص درصد مشخصی (مثلاً نیم درصد) از بودجه سالیانه خود برای انجام این تکالیف می‌تواند تامین‌کننده هدف مزبور باشد. علاوه بر این، پیش‌بینی ضمانت اجرای استتکاف از این تکالیف برای مدیران و رؤسای سازمان‌ها و نهادهای مزبور، با در نظر گرفتن ضمانت‌اجراهای موثر همچون انفصال از خدمت، جهت تحقق تضمینات فوق‌الذکر می‌تواند تدابیری راهگشا برای عینیت بخشیدن به این تکالیف قانونی باشد.

بند دوم. حقوق معلولان در مراکز درمانی و بهداشتی

امروزه در تمام کشورهای در حال توسعه، حق دسترسی به بهداشت و مراکز درمانی از مهم‌ترین مسائل افراد دارای معلولیت است و دولت باید در این زمینه به شهروندان معلول کمک نماید تا حق دسترسی آن‌ها به خدمات بهداشتی و توانبخشی به بهترین نحو مطلوب محقق شود. ماده (۶) اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق معلولین مصوب ۲۰۰۶، در این خصوص مقرر می‌دارد که: «معلولین حق برخورداری از معالجات پزشکی، روانی و ناتوانی، از جمله به کمک اعضای مصنوعی، توان‌بخشی طبی و اجتماعی، تحصیلات، تعلیمات حرفه‌ای، کمک، مشورت، اشتغال و غیره را به

حد اعلا ارتقا دهند و سریعاً به زندگی اجتماعی بازگردند». در همین راستا هم ماده (۶) قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶، در خصوص دسترسی معلولان به امکانات بهداشتی و درمانی اشعار بر این دارد که: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است پوشش بیمه سلامت افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان را به گونه‌ای تأمین نماید که علاوه بر تأمین خدمات درمانی مورد نیاز این افراد، خدمات توانبخشی جسمی و روانی افراد دارای معلولیت را پوشش دهد». نکته نخست در مورد این قانون این است که از آن جایی که طبق همین قانون، مسئولیت اصلی معلولان بر عهده سازمان بهزیستی گذاشته شده است، در نتیجه شایسته بود که پوشش بیمه معلولان و هزینه‌های مربوط به آن هم بر عهده همین سازمان گذاشته می‌شد. از طرفی، محل تأمین بودجه برای انجام تکالیف قانونی مزبور در این قانون مشخص نشده و منظور از «خدمات توانبخشی» مذکور در این ماده، مشخص نیست.^۱

در خصوص «خدمات توانبخشی» باید بیان داشت که بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی^۲، توانبخشی فرایندی پیش‌رونده، پویا و غالباً محدود به یک دوره زمانی است که به افراد دارای ناتوانی، این توانایی را می‌دهد تا به سطح مطلوبی از عملکرد ذهنی، جسمی و اجتماعی دست یابند. این فرایند با تأمین و در اختیار گذاشتن ابزار، امکانات و تسهیلاتی جهت تغییر سبک زندگی با هدف افزایش کیفیت آن، از طریق جبران محدودیت عملکردی یا نقص عملکردی انجام می‌شود.^۳ بر اساس تعریف فوق‌الذکر، خدمات توانبخشی شامل فیزیوتراپی، کاردرمانی، شنوایی‌شناسی، گفتاردرمانی، بینایی‌سنجی و ارتوپدی فنی می‌باشد.^۴

هزینه‌های سنگین استفاده از خدمات توانبخشی باعث شده است که استفاده از این خدمات تنها در اختیار دهک‌های درآمدی بالای جامعه باشد. حضور موثر بیمه‌های پایه در حوزه ارائه خدمات

۱. غلامی (۱۴۰۱)، آسیب‌شناسی قانون حمایت از معلولان، ص ۳۰.

2. World Health Organization, International Classification of Functioning, Disability and Health, 2001

۳. عبدی و دیگران (۱۳۹۸)، «مقایسه وضعیت پاسخگویی سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات توانبخشی از دیدگاه دریافت‌کنندگان خدمات»، آرشیو توانبخشی (توانبخشی)، ص ۲۷۴.

۴. صدیقی و دیگران (۱۴۰۱)، «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۸۰): اعتبارات توانبخشی و چالش‌های پیش روی آن در سازمان بهزیستی»، ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۴.

توانبخشی می‌تواند سطح دسترسی و بهره‌مندی از خدمات توانبخشی را افزایش دهد که به دلایلی همچون چند تولیتی بودن خدمات توانبخشی، سازمان‌های بیمه‌گر در عمل، حضور موثری را در حوزه ارائه خدمات توانبخشی معلولان ندارند.^۱

با توجه به عدم تحقق کامل حقوق معلولان در مراکز بهداشتی و درمانی، پیشنهاد می‌شود که با اصلاح ماده (۶) قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶، سازمان بهزیستی کل کشور مکلف‌شود که پوشش بیمه سلامت افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان را به گونه‌ای تأمین نماید که علاوه بر تأمین خدمات درمانی مورد نیاز این افراد، خدمات توانبخشی جسمی و روانی افراد دارای معلولیت را پوشش دهد و همچنین خدمات توانبخشی در این ماده را به گونه‌ای تعریف کند که خدماتی همچون فیزیوتراپی، کاردرمانی، شنوایی‌سنجی، گفتاردرمانی، بینایی‌سنجی و ارتوپدی فنی را شامل شود.

بند سوم. حق بر استخدام و اشتغال معلولان

اشتغال لازمه زندگی بشر است و برای بقا و تداوم زندگی همه انسان‌ها اهمیت دارد. بند ۲ ماده اعلامیه حقوق بشر در این خصوص مقرر می‌دارد که: «هرکسی حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نائل آید». همچنین ماده ۷ اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق معلولین مصوب سال ۲۰۰۶ اذعان می‌دارد که اشخاص دارای معلولیت دارای حق امنیت اقتصادی و اجتماعی در زندگی مناسب هستند و حق دارند که مطابق توانایی‌هایشان به کار مشغول شوند. اهمیت اشتغال برای معلولان دوچندان است؛ زیرا اشتغال، فرد معلول را قادر می‌سازد که احساس سربلندی و عزت نفس نماید و بتواند نقش اجتماعی اساسی و قابل توجهی را در جامعه ایفا نماید. هر چند که قانون جدید حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶، تبعیض مثبت در حق معلولان را در قالب تمهیداتی در زمینه اشتغال آن‌ها پیش‌بینی نموده است، ولی مقررات و ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی شده برای تضمین تحقق آنها کافی نیست.

۱. صدیقی (۱۴۰۲)، «بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۴۷): آسیب‌شناسی اجرای تبصره (۱) ماده (۷) قانون حمایت از حقوق معلولان (۱۹۱۱۹)»، ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۴.

دولت براساس ماده (۱۱) قانون حمایت از حقوق معلولان^۱ موظف شده است که در راستای اشتغال معلولان، تسهیلاتی همچون اختصاص سی درصد (۳۰٪) از پست‌های سازمانی تلفن چی (اپراتور تلفن)، متصدی دفتری و ماشین‌نویسی دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم‌بینا و افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی را فراهم نماید. این در حالی است که در حال حاضر دنیا، دنیای دیجیتالی است و در اکثر سازمان‌ها دیگر سمت‌هایی مانند تلفن چی وجود ندارد. امروزه، بسیاری از سازمان‌ها از وسایل الکترونیکی برای انجام وظایف منشی تلفنی و حتی حروفچین استفاده می‌کنند. به همین دلیل، همان‌گونه که برخی دیگر از پژوهشگران نیز اذعان کرده‌اند ارزش این قسمت از قانون حمایت از حقوق معلولان پایین آمده است.^۲ از طرفی برای اختصاص سهم سی درصدی استخدامی در این ماده برای معلولین در شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است. همچنین به اذعان برخی، چنین مقرره‌ای با حقوق اساسی معلولان همچون حق انتخاب آزادانه شغل و ارتقای شغلی مزبور در اصل (۲۸) قانون اساسی^۳

۱. «ماده ۱۱. دولت مکلف است جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد دارای معلولیت تسهیلات ذیل را فراهم نماید:
الف. پرداخت تسهیلات اعتباری به واحدهای تولیدی، خدماتی، عمرانی، صنفی و کارگاه‌های تولیدی حمایتی در مقابل اشتغال افراد دارای معلولیت به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می‌گردد.
ب. پرداخت تسهیلات اعتباری خوداشتغالی (وجوه اداره شده) به افراد دارای معلولیت به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می‌گردد.
پ. پرداخت تسهیلات اعتباری (وجوه اداره شده) جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی اشتغال‌زا به شرکت‌ها و مؤسساتی که بیش از شصت درصد (۶۰٪) سهام و سرمایه آن‌ها متعلق به افراد دارای معلولیت است.
ت. اختصاص سی درصد (۳۰٪) از پست‌های سازمانی تلفنچی (اپراتور تلفن) دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم‌بینا و افراد دارای معلولیت جسمی، حرکتی.
ث. اختصاص سی درصد (۳۰٪) از پست‌های سازمانی متصدی دفتری و ماشین‌نویسی دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به افراد دارای معلولیت جسمی، حرکتی.
تبصره. کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی مجازند تا سقف مجوزهای استخدامی سالانه خود، افراد نابینا و ناشنوا و افراد دارای آسیب نخاعی واجد شرایط را با برگزاری آزمون اختصاصی جامعه معلولان به کارگیرند.»

۲. عارفی و پروین (۱۴۰۱)، «بررسی تطبیقی مثبت در زمینه استخدام معلولان در حقوق ایران، آمریکا و هند»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ص ۱۳.

۳. اصل ۲۸ ق.ا: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط

منافات دارد.^۱ از سوی دیگر اطلاق موجود در قید «افراد دارای معلولیت جسمی، حرکتی» در بند «ث» ماده (۱۱) قانون حمایت از حقوق معلولان در خصوص استخدام‌شان در شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی باعث می‌شود که سازمان‌های مذکور فقط مبادرت به استخدام و به کارگیری اشخاصی نمایند که دارای حداقل معلولیت جسمی و حرکتی هستند و دیگر افراد دارای درجات بالای معلولیت را استخدام نکنند.^۲ بنابراین پیشنهاد می‌شود که ضمن ادغام بند «ت» و «ث» ماده (۱۱) قانون حمایت از حقوق معلولان، جهت تضمین هرچه بهتر حق استخدام و اشتغال معلولان در نهادهای عمومی و دولتی، درصد مشخصی از پست‌های سازمانی دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به افراد دارای هرگونه معلولیت که توانایی برعهده گرفتن آن پست سازمانی را دارند، اختصاص یابد. همچنین با پیشنهادی بین‌المللی ضمانت اجرای اداری برای مدیران هر یک از سازمان‌های دولتی و عمومی، استنکاف از اجرای این وظیفه قانونی را پرهزینه کرده و آن را مستوجب تعقیب انتظامی و صدور حکم محکومیت به یکی از مجازات‌های مندرج در قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۲۳ مقرر کند.

بند چهارم. حق بر تفریح و فراغت معلولان

اوقات فراغت می‌تواند امید به زندگی را در معلولان افزایش دهد و سبب شادابی، تماس با دیگران و مشارکت در کارهای جمعی شود. همچنین تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فراغتی، فرهنگی و ورزشی نقش موثری به منظور رهایی از انزوا، بروز خلاقیت و تضمین سلامتی دارد که به مثابه حقی فرهنگی و اجتماعی در ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق معلولان^۳ مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مورد شناسایی قرار گرفته است. در این ماده از کنوانسیون، شرح مفصلی از حق تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی ارائه شده است و معلولان را مستحق برخورداری از این حق نموده و دولت‌ها را به تضمین آن تشویق و ترغیب می‌نماید. این ماده بر اتخاذ اقداماتی

مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.»

۱. موسوی (۱۳۹۶)، «بررسی حقوق استخدامی معلولان در مقررات داخلی با نگاهی به اسناد بین‌المللی»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ص ۹۸.

۲. غلامی (۱۴۰۱)، آسیب‌شناسی قانون حمایت از معلولان، ص ۲۶.

3. Convention on the Rights of Persons with Disabilities

در راستای حمایت از دسترسی معلولان به تمامی مکان‌ها و فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و فراغتی تصریح می‌کند.^۱

در همین راستا ماده (۸) قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ قابل توجه است. این ماده بیان می‌دارد: «استفاده افراد دارای معلولیت از مراکز، تأسیسات و خدمات ورزشی دستگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، رایگان است». این در حالی است که طبق اظهارات جامعه معلولان کشور، در عمل، ورزشگاه‌های نهادهایی همچون شهرداری‌ها به هیچ عنوان به صورت رایگان در اختیار معلولان قرار نمی‌گیرد.^۲ از طرفی در وهله نخست، با توجه به این‌که حداقل در خصوص برخی از معلولان، امکان استفاده همزمان آن‌ها و اشخاص فاقد معلولیت از این مراکز وجود ندارد، به طور قطع باید سازوکار مشخصی برای استفاده این اشخاص از مراکز مذکور پیش‌بینی شود (مثلاً روزهای خاصی در هفته یا ساعات خاصی در روز). بدون چنین سازوکاری عملاً امکان استفاده این اشخاص از مراکز مذکور، ممتنع می‌باشد. همچنین در خصوص قید دولتی برای مراکز و تأسیسات ورزشی دو ابهام وجود دارد: ابهام نخست این‌که آیا منظور از مراکز و تأسیسات دولتی، اماکنی است که تنها مالکیت آن‌ها متعلق به دولت است و یا این‌که علاوه بر تأسیسات ورزشی که مالکیت آن‌ها متعلق به دولت است، اماکن ورزشی که از نظر اداره و بهره‌برداری در اختیار دولت است را نیز شامل می‌شود. پر واضح است اثری که بر استفاده از این اماکن در این دو حالت مترتب است، متفاوت می‌باشد. بنابراین در فرضی که امکان مذکور در این ماده فقط شامل اماکنی باشد که تنها مالکیت آن‌ها متعلق به دولت است، امکان استفاده افراد معلول از اماکن ورزشی که بهره‌برداری و اداره آن به نهادهای دولتی واگذار شده است، میسر نمی‌باشد. ابهام بعدی هم در مورد معانی مختلفی از قید «دولتی» است که در اذهان متبادر می‌شود. در اینجا نیز ابهام از این جهت وجود دارد که آیا منظور از «دستگاه‌های دولتی»، صرفاً قوه مجریه است و یا سایر قوای عمومی و رسمی کشور از جمله قوه قضائیه و مقننه و نهادهای نظامی و انتظامی و انقلابی را هم شامل می‌شود.

۱. مقامی و امیرشاکرمی (۱۳۹۷)، «حق تفریح و فراغت معلولین در پرتو اسناد بین‌المللی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ص ۳۱۶.

۲. خبرگزاری ایسنا، قانون حمایت از حقوق معلولان؛ پُر سیاسی یا گامی برای تحقق عدالت، ۱۴۰۲.

این ابهامات در این ماده قانونی باعث شده است که جامعه معلولین کشور عملاً امکان استفاده مناسب از امکان ورزشی موجود در سطح کشور را نداشته باشند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که با اصلاح ماده (۸) قانون حمایت از معلولان، استفاده افراد دارای معلولیت از مراکز، تأسیسات و خدمات ورزشی که مالکیت آن‌ها متعلق به دستگاه‌های حاکمیتی کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور است و یا اماکنی که بهره‌برداری و اداره آن‌ها در اختیار دستگاه‌های مذکور است، رایگان شود و این دستگاه‌ها موظف باشند که روزها و ساعت‌های مشخصی را برای استفاده اختصاصی معلولان از این اماکن ورزشی مشخص کنند.

نتیجه‌گیری

تجربه بشری نشان داده است که حاکمیت نمی‌تواند با اتکای صرف اخلاقی در اجتماع به حمایت از اقشار ناتوانی همچون معلولان اقدام ورزد، بلکه نیاز به شناسایی خلأهای قانونی و تدوین قوانین کارآمد دارد. از همین رو در خصوص رعایت حقوق این اشخاص در نهادهای کیفری و عمومی ایران، خلأهای قانونی شناسایی شده است که جهت تضمین هر چه بهتر حقوق این دسته از افراد ناتوان شایسته است که پیشنهادهای تقنینی مناسبی در این خصوص ارائه گردد.

در خصوص حمایت از حقوق معلولان در نظام کیفری ایران باید اقداماتی صورت پذیرد که در فرایند رسیدگی و دسترسی افراد معلول به عدالت تسهیل شود. اقداماتی مانند تشکیل دایره ارشاد و معاضدت قضایی بزه‌دیدگان معلول و ناتوان به منظور تدارک تدابیر حمایتی برای آنان، سرعت بخشیدن به محاکمه‌ها در پرونده‌هایی که پای بزه‌دیدگان معلول در میان است، تأسیس صندوق تأمین خسارات جهت حمایت و جبران خسارات مالی وارده به معلولان بزه‌دیده در صورت عدم شناسایی بزهکار، گرفتن وکیل به صورت رایگان برای آن‌ها، غیر قابل گذشت دانستن برخی از جرایم مانند توهین و ضرب و جرح علیه آنان، تشدید مجازات برخی از جرایم ارتكابی علیه معلولان و لزوم آموزش مأموران پلیس و ضابطان قضایی متناسب با نیازهای خاص بزه‌دیدگان معلول می‌تواند از جمله اقداماتی باشد که فرایند رسیدگی به دعاوی معلولین بزه‌دیده و دسترسی آنان به فرایند عدالت را آسان کند. هر چند که قانون‌گذار مراجع قضایی را مکلف کرده است که جهت تحقیق از معلولان ناشنوا و فاقد قدرت تکلم از افراد خبره به عنوان مترجم، برای انجام تحقیقات استفاده شود؛ ولی در خصوص معلولین نابینا

چنین امکانی را پیش بینی ننموده است. به نظر می رسد پیش بینی استفاده از افراد خبره در کنار افراد نابینا در فرایند رسیدگی کیفری هم ضروری است تا به بازپرس و قاضی رسیدگی کننده در جهت وقوف به ابعاد جنایت و شدت و ضعف آثار وارده و به تبع، صدور حکم مقتضی و متناسب و احقاق حقوق از دست رفته معلولان در فرایند بزه دیدگی، یاری رسانده شود.

ضرورت ایجاد مقدمات لازم برای استقلال افراد معلول و دارای ناتوانی جسمی و حرکتی و مناسب سازی و حمایت از تسهیل تردد این افراد به نهادهای عمومی کشور نیز ضروری به نظر می رسد. در این راستا قانونگذار در ماده (۲) قانون حمایت از حقوق معلولان، گام مهمی در شناسایی این حقوق برداشته است؛ ولی به دلیل عدم پیش بینی محل تامین بودجه مورد نیاز برای اجرای این تکالیف، در عمل این تکالیف قانونی دستگاه ها و سازمان ها به مرحله اجرا نمی رسد. به نظر می رسد با تعیین محل تامین بودجه مشخص برای انجام این تکالیف در قانون، این مشکل نیز قابل رفع است. به طور مثال، تکلیف قانونی شهرداری ها یا سایر نهادهای خدمات رسان به اختصاص درصد مشخصی از بودجه سالیانه مسئولیت اجتماعی خود برای انجام این تکالیف می تواند تامین کننده هدف مزبور باشد. علاوه بر این، پیش بینی ضمانت اجرای استنکاف از انجام این تکالیف برای مدیران و رؤسای سازمان ها و نهادهای مزبور، با در نظر گرفتن ضمانت اجراهای موثر همچون انفصال از خدمت، جهت تحقق تضمینات فوق الذکر می تواند تدبیری موثر برای عینیت بخشیدن به این تکالیف قانونی باشد.

از آن جایی که سازمان های بیمه گر در عمل، حضور موثری را در حوزه ارائه خدمات توانبخشی معلولان ندارند. به همین منظور پیشنهاد می شود که سازمان بهزیستی کل کشور مکلف شود تا پوشش بیمه سلامت افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان را به گونه ای تأمین نماید که علاوه بر تأمین خدمات درمانی مورد نیاز این افراد، خدمات توانبخشی جسمی و روانی افراد دارای معلولیت را هم پوشش دهد. همچنین در قوانین مربوطه، باید منظور از خدمات توانبخشی دقیقا خدماتی همچون فیزیوتراپی، کاردرمانی، شنوایی شناسی، گفتاردرمانی، بینایی سنجی و ارتوپدی فنی اعلام شود تا جای هرگونه شبهه در خصوص تعریف خدمات مذکور برطرف شود.

ماده (۱۱) قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ در جهت ایجاد اشتغال و استخدام معلولان پیش بینی شده که سی درصد (۳۰٪) از پست های سازمانی تلفن چی (اپراتور تلفن)، متصدی دفتری

و ماشین‌نویسی دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی جهت استخدام به افراد نابینا و کم‌بینا و افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی اختصاص داده شود. این در حالی است که در حال حاضر با توجه به تحولات فناورانه، در اکثر سازمان‌ها، سمت‌هایی مانند تلفن‌چی و ماشین‌نویسی وجود ندارد. از سوی دیگر، در مقررات قانونی فوق‌الذکر برای اعمال سهم سی درصدی استخدام معلولان در شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی، ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است. همچنین با توجه به مفاد بند (ث) این ماده، سازمان‌های دولتی فقط مبادرت به استخدام و به کارگیری اشخاصی می‌کنند که دارای حداقل معلولیت جسمی و حرکتی هستند. در نتیجه افراد دارای درجات بالای معلولیت به ندرت موفق به داشتن شغل و استخدام می‌شوند. با توجه به این نقایص قانونی پیشنهاد می‌شود که درصد مشخصی از تمام پست‌های سازمانی دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به افراد دارای هر گونه معلولیت که توانایی بر عهده گرفتن آن پست سازمانی را دارند، اختصاص یابد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد پیش‌بینی ضمانت اجرای موثر همچون انفصال از خدمت برای مدیران متخلف و مستنکف از اجرای این احکام قانونی، می‌تواند راهکاری مناسب جهت تحقق این تکالیف قانونی و تضمین اجرای این حقوق باشد.

در جهت بهره‌مندسازی معلولان از اوقات فراغت و داشتن محل‌های تفریحی ورزشی مناسب برای آنها، هر چند که ماده (۸) قانون حمایت از حقوق معلولان به استفاده رایگان افراد دارای معلولیت از مراکز، تأسیسات و خدمات ورزشی دستگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور اشاره شده است؛ ولی در عمل، ورزشگاه‌های نهادهایی همچون شهرداری‌ها به هیچ‌عنوان به صورت رایگان در اختیار معلولان قرار نمی‌گیرد. همچنین ذکر قید «دولتی» در این ماده برای مراکز و تأسیسات ورزشی، ابهام‌های قانونی متعددی را به وجود آورده است که بسیاری از نهادهای عمومی کشوری و لشکری خود را از شمول این ماده خارج می‌دانند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود ماده (۸) قانون فوق‌الذکر به گونه‌ای اصلاح شود که در متن قانون، استفاده افراد دارای معلولیت از مراکز، تأسیسات و خدمات ورزشی کلیه نهادهای عمومی اعم از لشکری، کشوری، نهادهای انقلابی و شهرداری‌ها را شامل شود و امکان بهره‌برداری از این اماکن برای معلولان به صورت رایگان فراهم باشد و این دستگاه‌ها موظف باشند که روزها و ساعت‌های مشخصی را برای استفاده اختصاصی معلولان از این اماکن ورزشی مشخص کنند.

منابع و مأخذ

۱. بختیارنژاد، پروین (۱۳۸۳)، «بزرگترین اقلیت اجتماعی و محرومیت از حقوق انسانی»، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۱۶۹-۱۸۲.
۲. پروانه، زهرا؛ جلیلیان، زیور؛ رستمی بشمینی، مجید (۱۳۹۶)، «مقایسه فرهنگ حمایت حقوقی قضایی از معلولین در ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات رفتاری در مدیریت، سال هشتم، شماره شانزدهم، صص ۱۵-۳۷.
۳. پورضیایی، کمیل؛ غفاری نیک، تارا (۱۳۹۹)، «اثرات حقوقی و اجتماعی الحاق ایران به کنوانسیون حقوق معلولین از منظر حقوق داخلی»، فصلنامه حقوق فارس، دوره سوم، شماره ششم، صص ۱۱۹-۱۴۹.
۴. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، بزه دیده شناسی (تحولات بزه دیده شناسی)، تهران: شهر دانش.
۵. رحمانی، مهدی (۱۳۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «حقوق کودکان معلول»، رشت: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان.
۶. رضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «حمایت از معلولین در حقوق بین‌المللی» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۳۴۱-۳۵۷.
۷. زراعت، عباس؛ چاووشی، محمدصادق؛ کرامتی معز، هادی (۱۳۹۸)، «سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال جرایم ارتكابی علیه ناتوانان و حمایت‌های کیفری، قضایی و فراقضایی افتراقی از آنان»، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ششم (پیاپی ۴۹)، صص ۵۱-۷۶.
۸. سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۸)، رساله دکتری «ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت جرم‌شناسی و قوانین کیفری حقوق ایران و انگلستان»، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۹. صدیقی، سمیه (۱۴۰۲)، «بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۴۷): آسیب شناسی اجرای تبصره «۱» ماده (۷) قانون حمایت از حقوق معلولان (۱۹۱۱۹)»، ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۳۱ (۴)، صص ۱-۸.
۱۰. صدیقی، سمیه؛ عزت‌آبادی پور، حسام؛ شعبان‌زاده، ایمان؛ بختیاری علی‌آباد، محمد؛ مختاری پیام، مهدی؛ فیاضی، پرند (۱۴۰۱)، «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۸۰): اعتبارات توانبخشی و چالش‌های پیش‌روی آن در سازمان بهزیستی»، ماهنامه گزارش‌های کارشناسی

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۳۰ (۱۲)، صص ۱-۲۳.
۱۱. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۷)، «تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر»، پژوهش‌های حقوقی، صص ۱۸۵-۲۰۸.
۱۲. عارفی، محمدشعب؛ پروین، خیرالله (۱۴۰۱)، «بررسی تطبیقی مثبت در زمینه استخدام معلولان در حقوق ایران، آمریکا و هند»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال یازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۴)، صص ۷-۳۱.
۱۳. عبدی، کیانوش؛ فتحی، فرشاد؛ خضری، علی؛ خانجانی، محمدسعید؛ حسین‌زاده، سمانه (۱۳۹۸)، «مقایسه وضعیت پاسخگویی سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات توانبخشی از دیدگاه دریافت‌کنندگان خدمات»، آرشیو توانبخشی (توانبخشی)، صص ۲۷۰-۲۸۵.
۱۴. غلامی، نبی‌الله (۱۴۰۱)، آسیب‌شناسی قانون حمایت از معلولان، تهران: پژوهشکده علوم پایه، پژوهشگاه قوه قضاییه.
۱۵. کاویار، میرحسین؛ توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۷)، «تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین‌المللی»، فصلنامه اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۵۱-۸۱.
۱۶. کوهی اصفهانی، کاظم (۱۳۹۲)، «بایسته‌های ناظر بر جایگاه و حقوق بزه‌دیده در تحقق عدالت قضایی مطلوب (آسیب‌شناسی وضعیت موجود)»، بازخوانی نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، به کوشش: عباسعلی کدخدایی، صص ۲۲۷-۲۵۶، تهران: دانشگاه امام صادق.
۱۷. گرجی ازندریانی، علی اکبر؛ شیرزاد نظرلو، زهرا (۱۳۹۷)، «جایگاه حقوق معلولین در حوزه حقوق شهری»، فصلنامه مطالعات حقوق راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۳۷-۱۶۳.
۱۸. محمدی، قاسم (۱۳۸۴)، «میزگرد عدالت برای بزه دیدگان (مصاحبه با علی حسین نجفی ابراندآبادی، حسین غلامی دون و فیروز محمودی جانکی)»، محله حقوقی دادگستری، صص ۸-۷۴.
۱۹. مقامی، امیر؛ امیرشاکرمی، مریم سادات (۱۳۹۷)، «حق تفریح و فراغت معلولین در پرتو اسناد بین‌المللی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره اول، صص ۳۰۵-۳۴۴.
۲۰. موسوی، عاطفه (۱۳۹۶)، «بررسی حقوق استخدامی معلولان در مقررات داخلی با نگاهی به

- ۱۱۰-۸۸. «اسناد بین‌المللی»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۱/۲، صص ۸۸-۱۱۰.
۲۱. کنوانسیون حقوق معلولان مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد (Convention on the Rights of Persons with Disabilities).
۲۲. مصاحبه با علی‌همت محمودنژاد، «قانون حمایت از حقوق معلولان؛ بُز سیاسی یا گامی برای تحقق عدالت؟» (۱۴۰۲)، خبرگزاری ایسنا. به نشانی: www.isna.ir/news/1402091107709.

Evaluation of the rights of the disabled and its guarantees in the criminal and public institutions of Iran

Hamidreza Danesh Nari¹

Mohammad SadEq Mohammadi Ghafaraki²

Abstract

As a vulnerable group of society, disabled people need special support from the government. Therefore, supporting disabled people requires identifying legal gaps and formulating effective laws in this field. The way of facing and the quality of service provided by criminal and public institutions to these powerless groups plays an important role in guaranteeing their rights. The purpose of this research is to examine and diagnose the rights of disabled people in the criminal and public institutions of Iran and to identify the appropriate guarantees for the realization of these rights in these institutions. The main question of this research is that what rights do disabled people have in criminal and public institutions and what guarantees can be investigated to realize these rights as best as possible. The findings of this research show that the need to compensate for the damages, the possibility of easy access to the institutions of the criminal justice system, and the need to adopt protective–assistance measures as some of the rights that must be respected are faced with legal shortcomings and gaps, and the necessary guarantees have not been provided for them. Also, in the public institutions of the country, there is not enough easy access for the disabled to administrative places, the right to employment and recreation, as well as the right to enjoy care, health, medical, psychological and rehabilitation services. Therefore, it is necessary to make legislative and executive reforms in the field of disabled people based on principles such as dignity, independence and participation of disabled people.

Keywords: disabled people, criminal institutions, public institutions, enforcement guarantee, human rights

1. Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author) Daneshnari@um.ac.ir

2. Master in Islamic Studies and Criminal Law and Criminology, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. M.s.m.gh.73@gmail.com